

# حدیث غدیر

گزارشی مختصر و روان از کتاب عبققات الانوار  
علامه میرحامد حسین

سمیه خلیلی آشتیانی



انتشارات نباء

سرشناسه: کنتوری، میرحامد حسین ۱۳۴۶ - ۱۳۰۶ ق.  
عنوان قرارداد: عیقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار، فارسی. برگزیده  
عنوان و بدیادآور: حدیث غدیر: گزارشی مختصر و روان از کتاب عیقات الانوار /  
[علامه میرحامد حسین] / سمیه خلیلی آشتیانی.  
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی نیا، ۱۳۹۷.  
مشخصات ظاهری: ۶۸ ص.  
شابک: ۵ - ۰۹۲ - ۲۶۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
یادداشت: این کتاب برگزیده کتاب «عیقات الانوار» تألیف میرحامد حسین  
هندی بوده که خود نیز رده‌ای بر کتاب «تحفه اثنی عشریه» تألیف عبدالعزیز  
دهلوی است.  
موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. انبیا  
خلافت، احادیث خاص (غدیر)، امامت.  
شناسه افزوده: خلیلی آشتیانی، سمیه، ۱۳۶۰  
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ / ۴۲۳۱ ع ۲۰ / ۲۲۳ / BP  
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۵  
شماره کتابخانه ملی: ۵۴۰۲۰۱۹



انتشارات نیا

### حدیث غدیر

گزارشی مختصر و روان از کتاب عیقات الانوار علامه میرحامد حسین

نگارنده: سمیه خلیلی آشتیانی

حروفچینی: انتشارات نیا / صفحه‌آرایی: مشکاة

چاپ و صحافی: دالاهو، صالحانی

چاپ اول: ۱۳۹۷ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نیا / تهران، خیابان شریعتی، بعد از خیابان

بهار شیراز، کوچه مقدم، نبش خیابان ادیبی، شماره ۲۶

صندوق پستی: ۳۷۷ / ۱۵۶۵۵

تلفن: ۷۷۵۰۶۶۰۲ / فاکس: ۷۷۵۳۵۷۷۶

شابک: ۵ - ۰۹۲ - ۲۶۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN 978 - 600 - 264 - 092 - 5

۱۱۱۱۱۱۱۱



## فهرست مطالب

مقدمه	۹
حدیث غدیر در منابع شیعه	۱۲
احتجاج و استدلال اهل بیت <small>علیهم السلام</small> به این حدیث	۱۴
حدیث غدیر در منابع اهل سنت	۱۵
نقل‌های مستقیم	۱۵
نقل‌های غیر مستقیم	۱۶
صحت حدیث	۱۷
ادعای ضعیف بودن حدیث	۱۷
ایراد بر صحت خطبه	۱۸
<b>بخش ۱: اسناد حدیث غدیر</b>	۲۱
الف - صحابه	۲۲
ب - تابعان	۲۲
ج - حافظان و محدثان	۲۳
<b>بخش ۲: متن روایت</b>	۲۷
نقل اول	۲۷

- ۲۸ ..... روایت مَعْمَر بن راشد
- ۲۹ ..... روایت عَفَّان بن مسلم
- ۲۹ ..... روایت عبدالله بن ابی شیبہ
- ۳۰ ..... روایت اسحاق بن راهویہ
- ۳۰ ..... روایت قُتیبہ بن سعید
- ۳۰ ..... روایت ابن ماجہ قزوینی
- ۳۱ ..... روایت ابن مغازلی
- ۳۴ ..... نقل دوم
- ۳۵ ..... روایت اسرائیل بن یونس سبعی
- ۳۵ ..... روایت محمد بن جعفر غُندَر
- ۳۶ ..... روایت عبدالله بن ثُمیر
- ۳۶ ..... روایت ابواحمد حَبَّال، محمد بن عبدالله زُبیری
- ۳۶ ..... روایت ابن ابی شیبہ
- ۳۷ ..... روایت ابویعلی موصلی
- ۳۸ ..... نقل سوم
- ۳۸ ..... روایت فضل بن دکین
- ۳۸ ..... روایت ابونعیم اصفهانی
- ۳۹ ..... روایت ابن مغازلی
- ۴۰ ..... نقل چهارم
- ۴۰ ..... روایت سعد بن ابی وقاص
- ۴۰ ..... روایت علی بن محمد طَنَافِسی
- ۴۱ ..... روایت ابن ابی شیبہ
- ۴۱ ..... روایت حسن بن عرفه

بخش ۳: دلالت حدیث غدیر .....	۴۳
۱. نزول آیه تبلیغ .....	۴۳
روایت ابن مردویه .....	۴۴
روایت ثعلبی .....	۴۵
روایت حَسْكَانی .....	۴۵
۲. نزول آیه اکمال .....	۴۷
روایت ابن مَرَدَوِیَه .....	۴۸
روایت ابونُعَیم اصفهانی .....	۴۹
روایت نطنزی .....	۴۹
۳. نزول آیات آغازین سوره معارج .....	۵۰
۴. مناشده امیرمؤمنان با صحابه به حدیث غدیر .....	۵۲
روایت ابن مغازلی .....	۵۵
روایت خطیب خوارزمی .....	۵۵
۵. حدیث غدیر به لفظ: «من كنتُ أولى به من نفسه فعلى وَلِيَّهِ» .....	۵۷
۶. سیاق حدیث غدیر در «المستدرک على الصحيحين» .....	۵۸
۷. حدیث غدیر به لفظ: «مَنْ وَلِيَّكُمْ؟... مَنْ كَانَ اللهُ وَلِيَّهٗ فَهَذَا وَلِيَّهٗ» .....	۶۱
۸. رفتار و سخن عمر بن خطاب .....	۶۲
۹. شادباش ابوبکر و عمر در روز غدیر و «بِخِ بَخٍ» گفتن آنان .....	۶۳
منابع .....	۶۵





## مقدمه

رخداد غدیر خم در شمار آن دسته از حقایق مسلم تاریخی است که مناقشه و جدل را بر نمی‌تابد. این واقعه از مهم‌ترین قضایای تاریخ اسلام است؛ رخدادی که شمار زیادی از مورخان، محدثان، مفسران، متکلمان و لغت‌شناسان، هر یک به مناسبتی، آن را یاد کرده‌اند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از اینکه آخرین حج خود را به پایان رساند، در روز هجدهم ماه ذی‌حجه سال دهم هجری، در حالی که گروه‌هایی از مردم - که شمارشان را جز خدای عزّوجلّ کسی نمی‌داند - همراهش بودند، در جُحُفَه، میان مکه و مدینه، به جایی رسید که به غدیر خم شناخته می‌شد. چگونه ممکن است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این فرصت آماده را از دست بدهد و به ابلاغ امر وصایت اقدام نکند، با آن که از زمان آغاز بعثت خود تا امروز، حتی در کوچک‌ترین فرصت، هماره به ابلاغ آن اشتیاق

داشته است؟»

طبیعی است که او این فرصت را نیز برای تبلیغ این امر مهم، غنیمت شمارد و حجّت را در موضوع جانشینی خود، بر مردمان تمام کند و حتّی برای امام علی علیه السلام از آنان بیعت بگیرد؛ به ویژه آنکه:

زمان آنکه داعی الهی وی را فراخواند و او اجابتش کند، نزدیک شده است.

او به خوبی می داند که این گروههایی از مردم که اکنون همراه او هستند، هرگز پس از این، در کنار او گرد نخواهند آمد.

اینجا سرزمینی است که راه مردم مدینه و مصریان و عراقیان

از هم جدا می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این سرزمین، درنگ کرد تا آنان که در راه مانده اند، به او برسند. نیز فرمان داد آنهایی که پیش افتاده از این سرزمین گذشته اند، بازگردند. منادی همگان را به نماز فراخواند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز ظهر را با مردم بگزارد. سپس در حالی که همگان او را می دیدند و صدایش را می شنیدند، برخاست و خطبه خواند.

آنچه در میان عموم مسلمانان، به عنوان قدر مسلم و به گونه متواتر بر جای مانده، بخشهایی همچون «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» است و همین برای دلالت به امامت و خلافت، پسندیده و کافی است؛ اما آنچه از جستجوی الفاظ حدیث غدیر

در کتاب‌های اهل سنت به دست می‌آید و شواهد و قرائن تقویتش می‌کند، آن است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز غدیر برای مردم خطبه‌ای طولانی خواند.<sup>۱</sup>

با این اوصاف، نصّ کامل خطبهٔ پیامبر کجاست؟ چرا پندها و راهنمایی‌های رسول خدا را نقل نکردند؟ اگر پیامبر، مردمان را از هر آنچه باید بدانند، آگاه کرد، چه سبب شد که سخنان او را از امت پنهان دارند؟

آری، آنچه آنان را از نقل کامل خطبهٔ پیامبر بازداشت، همان عاملی است که مانع شد تا قلم و کاغذ به نزد حضرتش برسد تا او کلامی بنگارد که پس از آن، هرگز گمراه نشوند. این همان انگیزه‌ای است که وادارشان کرد تا بسیاری از حقایق را پوشیده بدارند.

هدف آن قوم این بود که امت را از هدایت و تعالیم و ارشادات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ محروم کنند؛ چه رسد به اینکه فراخوانندهٔ دیگران به آن و ناشرش باشند! زیرا آنان حقیقتاً به آن تعالیم و ارشادها معتقد نبودند و ایمان در دل‌هایشان راه نیافته بود. آنها می‌دانستند که اگر آموزه‌های پیامبر را همان‌گونه که هست، به امت برسانند، امور در مسیر خود جاری می‌شود، یعنی برایشان هیچ جایگاهی در جامعهٔ اسلامی بر جای نمی‌ماند؛ چه

۱. بنگرید: احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۳۷۲؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۰۹.

رسد به اینکه رئیس و حکمران آن باشند.<sup>۱</sup>  
 درگذر ایام این تلاش‌ها در انحراف اکثریت جامعه مسلمانان  
 برای یافتن راه هدایت مؤثر واقع شد، اما نتوانست این میراث  
 گرانها را از بین ببرد. این خطبه را اهل بیت علیهم‌السلام و پیروانشان  
 سینه به سینه نقل کردند و امروز از پس تمام سال‌های پس از  
 غدیر، این واقعه و خطبه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به کوشش محدثان،  
 حافظان و راویان راستگفتار در اختیار داریم.

#### حدیث غدیر در منابع شیعه

حدیث غدیر نام بخشی از خطبه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روز  
 غدیر است که در آن، پیامبر فرموده است: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا  
 عَلِيٌّ مَوْلَاهُ؛ هر که من مولای اویم، علی علیه‌السلام مولای اوست» این  
 بخش از خطبه را بیش از صد و ده نفر از صحابه و هشتاد و چهار  
 نفر از تابعان به صورت متواتر نقل کرده‌اند، با این شرایط نه تنها  
 تواتر حدیث غدیر مسلم است، بلکه می‌توان گفت به مراتب،  
 فوق حدّ تواتر است.<sup>۲</sup>

این حدیث از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، را ائمه علیهم‌السلام همچون امام  
 علی، امام حسن مجتبی، امام حسین، امام باقر و امام رضا علیهم‌السلام  
 و به مناسبت از دیگر ائمه علیهم‌السلام از پدرانشان نقل کرده‌اند. پس از

۱. با تلخیص و اقتباس از مقدمه تلخیص عیقات الانوار، جلد حدیث  
 غدیر، به قلم آیت الله سید علی حسینی میلانی.  
 ۲. بنگرید: امینی، الغدیر، ج ۱.

ایشان نیز بسیاری از محدثان متقدم و متأخر شیعه با الفاظ مختلف یا به صورت کامل، خطبه غدیر یا بخشی از این خطبه را که به حدیث غدیر شهرت دارد روایت کرده‌اند، از جمله سلیم بن قیس هلالی در کتاب خود<sup>۱</sup>، علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش<sup>۲</sup>، محمد بن حسن بن فروخ صفّار قمی در کتاب بصائر الدرجات<sup>۳</sup>، عیاشی در تفسیرش<sup>۴</sup>، طبری در المسترشد فی الامامة<sup>۵</sup>، کلینی در کافی<sup>۶</sup>، شیخ صدوق در کتب امالی<sup>۷</sup>، خصال<sup>۸</sup> و کمال الدین و تمام النعمة<sup>۹</sup>، ابن شعبه حرّانی در تحف العقول<sup>۱۰</sup>، شیخ حر عاملی در کتب وسائل الشیعة<sup>۱۱</sup> و اثبات الهداة<sup>۱۲</sup> و سید هاشم بحرانی در

۱. سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم، ج ۲، ص ۶۴۴.
۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۷۴.
۳. محمد بن حسن بن فروخ صفّار قمی، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۷۷.
۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴.
۵. طبری، المسترشد فی الامامة، ص ۴۶۷.
۶. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۸۷.
۷. شیخ صدوق، امالی، ص ۲، مجلس اول؛ ص ۸۹، مجلس ۲۰؛ ص ۱۲۲، مجلس ۲۶.
۸. همو، خصال، ج ۱، ص ۶۶.
۹. همو، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۷۸.
۱۰. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۴۵۹.
۱۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۵۸.
۱۲. همو، اثبات الهداة، ج ۲، ص ۷۰.

حلیة الأبرار،<sup>۱</sup> حدیث غدیر را نقل کرده‌اند.<sup>۲</sup> از دانشمندان شیعه دوره معاصر نیز علامه امینی مجموع سلسله اسناد خطبه و حدیث غدیر را از منابع اهل سنت گردآوری کرده و به همراه سایر دلایل اثبات کننده واقعه غدیر و شواهد ادبی و تاریخی در تأیید آن در قالب یازده جلد کتاب الغدیر، منتشر کرده است.

#### احتجاج و استدلال اهل بیت علیهم السلام به این حدیث

امام علی علیه السلام در چند موقعیت به این حدیث استناد کرده است تا اولویت خویش در خلافت و امامت را نشان دهند. احتجاج با طلحه در جنگ جمل،<sup>۳</sup> احتجاج در حیات مسجد کوفه،<sup>۴</sup> در ضمن چند بیت شعر که در نامه‌ای به معاویه نوشت<sup>۵</sup> و احتجاج در جنگ صفین<sup>۶</sup> از جمله این موارد است. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نیز در برابر مخالفان خلافت امیر المؤمنین علیه السلام، به این

۱. سیدهاشم بحرانی، حلیة الأبرار فی احوال محمد و آله الاطهار، ج ۲، ص ۳۲۴.

۲. برای دیدن منابع بیشتر: طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۱۳؛ ابن بطریق، عمدة عیون صحاح الأخبار، ص ۴۴۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷.

۳. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۴۱۹.

۴. ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۲۱۱.

۵. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۸۱.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۴۱.

حدیث احتجاج نمود.<sup>۱</sup>

### حدیث غدیر در منابع اهل سنت

گفتیم که بیش از صد و ده نفر از صحابه و هشتاد و چهار نفر از تابعان در شمار راویان این حدیث شریف به شمار می آیند. این حدیث از روایات متواتر در میان روایات بیان کننده فضائل امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در میان اهل سنت به شمار می آید. بیش از صد و شصت و دو نفر از راویان و محدثان اهل سنت آن را روایت کرده اند، از جمله: احمد بن حنبل، ترمذی، طبری، حاکم نیشابوری، ابونعیم اصفهانی، خطیب بغدادی، ابن مغزلی، ابن عساکر.<sup>۲</sup>

علامه میرحامد حسین، براساس روایات اسباب النزول، آیاتی چند که در ایام غدیر بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شده، به عنوان مؤید برای این روایت می آورد. چند نمونه از این روایات، ذیل آیات یاد شده، در بخش سوم این کتاب آمده است.

### نقل های مستقیم

به گفته علامه امینی، این حدیث را احمد بن حنبل از ۴۰ طریق، ابن جریر طبری از ۷۲ طریق، جزری مقری از ۸۰ طریق، ابن عقده از ۱۰۵ طریق، ابوسعید سجستانی از

۱. ابن کثیر، البداية و النهاية، ج ۷، ص ۳۰۴.

۲. از این افراد در متن کتاب روایت شده است.

۱۲۰ طریق، ابوبکر جعابی از ۱۲۵ طریق،<sup>۱</sup> و حافظ ابوالعلاء العطار همدانی نیز از ۲۵۰ طریق نقل کرده‌اند.<sup>۲</sup>  
 برخی از علمای رجال و حدیث‌شناس اهل سنت، اسناد این حدیث را زیاد دانسته و بیشتر اسناد آن را صحیح و حسن به شمار می‌آورند.<sup>۳</sup>

#### نقل‌های غیر مستقیم

افزون بر نقل‌های مستقیم از سوی این افراد، برخی ابن حدیث را از کسانی که در غدیر خم حاضر بوده‌اند، شنیده و نقل کرده‌اند. ابی الطفیل از سی نفر،<sup>۴</sup> عامر بن لیلی الغفاری از هفده نفر،<sup>۵</sup> عمیر بن سعد از دوازده نفر،<sup>۶</sup> زید بن أرقم از شانزده نفر،<sup>۷</sup> زیاد بن ابی زیاد از دوازده نفر،<sup>۸</sup> زاذان ابی عمر از سیزده نفر،<sup>۹</sup> عبدالرحمن بن ابی لیلی از دوازده نفر،<sup>۱۰</sup> نقل کرده‌اند.

۱. امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۴۰.
۲. همان، ص ۱۵۸.
۳. ابن حجر، فتح الباری، ج ۷، ص ۶۱.
۴. ابن حنبل، المسند، ج ۴، ص ۳۷۰.
۵. ابن حجر، الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۳، ص ۴۸۴.
۶. ابن مغزلی، مناقب، ج ۱، ص ۶۶.
۷. ابن حنبل، المسند، ج ۵، ص ۳۷۰.
۸. همان، ج ۱، ص ۸۸.
۹. همان، ص ۸۴.
۱۰. همان، ص ۱۱۹.



## صحت حدیث

برخی تلاش کرده‌اند تا ایرادهایی بر این واقعه تاریخی وارد کنند. مهم‌ترین آن ایرادها چنین هستند:

## ادعای ضعیف بودن حدیث

با وجود ادعای تواتر و اسناد و طریق‌هایی که ذکر شد، برخی علمای اهل سنت، برآنند که این حدیث را نمی‌توان متواتر و صحیح دانست.<sup>۱</sup> دلیل این افراد، این است که بیشتر محدثان، از جمله بخاری و مسلم آن را نقل نکرده‌اند و برخی چون ابی داود و ابی حاتم رازی آن را ضعیف شمرده‌اند.<sup>۲</sup>

در جواب این ادعا گفته شده که علمای زیادی از اهل سنت از جمله ترمذی (۲۷۹ ق)،<sup>۳</sup> طحاوی (۳۲۱ ق)،<sup>۴</sup> حاکم نیشابوری (۴۰۵ ق)،<sup>۵</sup> ابن کثیر (۷۷۴ ق)،<sup>۶</sup> ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ ق)<sup>۷</sup> و ابن حجر هیتمی (۹۷۳ ق)<sup>۸</sup> به صحت سندهای این حدیث

۱. تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۷۲.

۲. جرجانی، شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۶۱.

۳. ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۵۶۳.

۴. طحاوی، بیان مشکل الآثار، ج ۴، ص ۲۱۲.

۵. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸.

۶. ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۲۰۹.

۷. ابن حجر، فتح الباری، ج ۷، ص ۷۴.

۸. ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ج ۱، ص ۱۰۶.

شهادت داده‌اند. افزون بر این، نقل‌های زیادی که با واسطه و بی‌واسطه از سوی صحابه و تابعین در کتاب‌های تاریخی و حدیثی نقل شده، نشان‌دهنده صحت سند این حدیث است.

#### ایراد بر صحت خطبه

ایراد دیگر که مخالفان این حدیث بیان کرده‌اند، این است که علی علیه السلام در آن زمان در مکه نبوده است تا در غدیر خم این واقعه روی دهد؛ بلکه در مأموریت ین بوده است.<sup>۱</sup> در مقابل، موافقان برآنند که همانطور که در منابع اهل سنت بیان شده، امام علی علیه السلام در آن زمان از ین به مکه مراجعت نموده و در مراسم حج آن سال شرکت داشته است.<sup>۲</sup>

آنچه گفته شد، مقدمه‌ای بود برای آشنایی با حدیث غدیر، اما آشنایی بهتر با نقل‌های متعدد و هم‌مضمون، از این حدیث را در متن کتاب خواهید دید. این جلد از مجموعه مختصر عبقات الانوار، برگرفته از مجلد حدیث غدیر به تلخیص و تعریب آیت الله سید علی حسینی میلانی است که با ترجمه آقای مرتضی نادری از سوی انتشارات نبأ به زیور طبع درآمده است. امید است، برای مخاطبان علاقه‌مند به مباحث اعتقادی، به

۱. جرجانی، شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۶۱.

۲. حلبی، السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۲۸۹.

ویژه مبحث امامت، در بهره‌مندی از مطالب و معارف آن مفید  
باشد.

والحمد لله رب العالمین  
شهریور ماه ۱۳۹۷  
ذی الحجة الحرام سال ۱۴۳۹ هجری  
(مصادف با ایام عید سعید غدیر)  
سمیه خلیلی آشتیانی



### اسناد حدیث غدیر

علامه میرحامد حسین در بخشی از این کتاب که به راویان و نویسندگان درباره حدیث غدیر اختصاص داده است، نام نود و نه تن از صحابه را ذکر می‌کند که در شمار راویان و شادباش‌گویان به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام هستند. شمار صحابه راوی روایت چنان است که نیازی به یادکرد تابعان نقل‌کننده روایت ندیده است. اما از صد و شصت و دو راوی از حافظان و محدثان و راویان اهل سنت که در کتابهای خود این حدیث را نقل کرده‌اند؛ در بخش ویژه‌ای نقل روایت می‌کند. در اینجا به نام برخی راویان که تقدّم و شهرت بیشتری دارند، اشاره خواهیم کرد و نام برخی تابعان را با مراجعه به کتاب الغدیر به آن افزودیم.

الف - صحابه

حسن بن علی بن ابی طالب عليه السلام  
حسين بن علی بن ابی طالب عليه السلام  
عبّاس بن عبدالمطلب  
عمّار بن یاسر  
عبدالله بن مسعود  
عبدالله جعفر بن ابی طالب  
ابوبکر  
عمر بن خطّاب  
عثمان بن عفّان  
طلحة عبیدالله  
زیر بن عوّام  
عبدالرحمن بن عوف  
سعد بن مالک (ابن ابی وقّاص)  
ابوذر  
سلمان فارسی

ب - تابعان<sup>۱</sup>

ابوسليمان مؤذن  
ابوصالح سمّان ذکوان مدنی

---

۱. بنگرید: امینی، الغدير، ج ۱.

اصبع بن نباته کوفی  
 سلیم بن قیس هلالی  
 طاووس بن کیسان  
 عمر بن عبدالعزیز  
 ابوراشد حبرانی  
 ابولیلی کندی  
 ایاس بن نذیر  
 حبیب بن ابی ثابت اسدی  
 حبیب بن عتیبه کوفی

ج - حافظان و محدثان

نام راوی	قرن
محمد بن اسحاق (م ۱۵۱ ه) محمد بن اسحاق (م ۱۵۱ ه) محمد بن اسحاق (م ۱۵۱ ه) معمر بن راشد (م ۱۵۳ ه) معمر بن راشد (م ۱۵۳ ه) معمر بن راشد (م ۱۵۳ ه) اسرائیل بن یونس سبئی (م ۱۶۰ ه) اسرائیل بن یونس سبئی (م ۱۶۰ ه) اسرائیل بن یونس سبئی (م ۱۶۰ ه) وکیع بن جراح (م ۱۹۶ ه)	دوم
ابوبکر عبدالرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱ ه) ابوبکر عبدالرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱ ه) ابوبکر عبدالرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱ ه) فضل بن دکین کوفی (م ۲۱۸ ه)	سوم

۱۰:۴۵۶۱۰:۴۵۶۱۰

<p>فضل بن دکین کوفی (م ۲۱۸هـ) فضل بن دکین کوفی (م ۲۱۸هـ)  عقّان بن مسلم صفّار (م ۲۱۹هـ)  عقّان بن مسلم صفّار (م ۲۱۹هـ) عقّان بن مسلم صفّار (م ۲۱۹هـ)  عثمان بن محمد بن ابی شیبہ (م ۲۳۹هـ)  عثمان بن محمد بن ابی شیبہ (م ۲۳۹هـ) عثمان بن محمد بن محمد بن  ابی شیبہ (م ۲۳۹هـ) احمد بن حنبل شیبانی (م ۲۴۱هـ)  احمد بن حنبل شیبانی (م ۲۴۱هـ) احمد بن حنبل شیبانی (م ۲۴۱هـ)  ابن ماجه قزوینی (م ۲۷۳هـ)  ابن ماجه قزوینی (م ۲۷۳هـ) ابن ماجه قزوینی (م ۲۷۳هـ) محمد بن  عیسی ترمذی (م ۲۷۹هـ)  محمد بن عیسی ترمذی (م ۲۷۹هـ) محمد بن عیسی  ترمذی (م ۲۷۹هـ) ابوبکر احمد بن عمرو بن عبدالخالق (بزار)  (م ۲۹۲هـ)</p>	
<p>ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب نسائی (م ۳۰۳هـ)  ابو یعلی احمد بن علی تمیمی موصلی (م ۳۰۷هـ)  محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰هـ)  سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰هـ)  علی بن عمر بن احمد بغداد (دارقطنی) (م ۳۸۵هـ)</p>	<p>چهارم  نؤ: ۴۵۶۱۰: ۴۵۶۱۰</p>
<p>محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵هـ)  أبو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰هـ)  ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، خطیب بغدادی (م ۴۶۳هـ)  ابوالحسن علی بن محمد مغازلی (م ۴۸۳هـ)</p>	<p>پنجم</p>
<p>ابوشجاع شیرویه بن شهر دار دیلمی (م ۵۰۹هـ)  ابوالمؤید موفق بن احمد مکی، خطیب خوارزمی (م ۵۶۸هـ)</p>	<p>ششم</p>



اسناد حدیث غدیر

ابوالقاسم علی بن حسن بن عساکر دمشقی (م ۵۷۱هـ)	
علی بن محمد بن اثیر جزری (م ۶۳۰هـ) ابوالمظفر، یوسف بن قز اوغلی، سبط ابن جوزی (م ۶۵۴هـ) محمد بن یوسف گنجی شافعی (م ۶۵۸هـ) محب الدین، احمد بن عبدالله طبری (م ۶۹۴هـ)	هفتم وؤؤ۴۵۶۱۰:۴۵۶۱۰
ابراهیم بن محمد جوینی (م ۷۲۲هـ) جمال الدین مزّی (م ۷۴۲هـ)	هشتم
شهاب الدین احمد بن علی بن محمد ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲هـ)	نهم
جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی (م ۹۱۱هـ) شهاب الدین احمد بن محمد بن حجر مکی (م ۹۷۳هـ) علی بن حسام الدین متقی (م ۹۷۵هـ)	دهم



## بخش ۲

### متن روایت

این بخش به نقل‌های متفاوت از حدیث غدیر اختصاص یافته است. این حدیث با چهار نقل، در کتاب عبققات، از راویان متعدد، روایت شده، و روایات هم مضمون، در قالب یک نقل سازمان‌دهی شده است. البته روایات نقل شده در اصل کتاب عبققات، به این تعداد خلاصه نمی‌شود، بلکه علامه میر حامد حسین، از تمام صد و شصت و دو راوی آن، این روایت را آورده است. اما نقل راویان متأخر، تکرار و نقل روایت از راویان متقدم است، از این رو در اینجا به نقل روایت از متقدمان اکتفا شده است.

#### نقل اول:

این نقل از روایت به نقل ماجرای غدیر خم، گردآورده

حج گزاران توسط پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این منطقه و معرفی علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ به عنوان جانشین و امیرالمؤمنین و ولی تمام مؤمنان پس از خود اختصاص دارد. از این میان برخی روایات با جزئیات بیشتری این واقعه را گزارش کرده است.

#### روایت مَعْمَر بن راشد

ابن کثیر با سندی از مَعْمَر روایت کرده است که گفت: همراه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مکه بیرون رفتیم تا به غدیر خم رسیدیم. آن حضرت ندا دهنده‌ای را برانگیخت که ندا دهد و مردمان را جمع کند. چون گرد هم آمدیم، حضرتش فرمود: «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟»؛ آیا من نسبت به شما از خودتان سزاوارتر نیستم؟ گفتیم: چرا این گونه‌ای، ای رسول خدا! سپس فرمود: «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ آبَائِكُمْ؟»؛ آیا من از پدران شما نسبت به شما سزاوارتر نیستم؟

گفتیم: چرا این گونه‌ای، ای رسول خدا! پیامبر افزود: آیا من چنین نیستم؟ آیا من چنان نیستم؟ آیا من... ما هر بار سخن ایشان را تأیید کردیم، سپس آن حضرت فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَىٰ مَوْلَاهُ. اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ»؛ هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا؛ با هر که با او دوستی کند، دوستی فرما و با هر که با او دشمنی کند، دشمنی فرما. سپس عمر بن خطاب گفت: گوارایت باد ای پسر ابوطالب که

امروز، ولی هر مؤمنی گشتی.<sup>۱</sup>

### روایت عَفَّانِ بْنِ مُسْلِمٍ<sup>۲</sup>

او با سندی از زید بن ارقم روایت کرده است: همراه با رسول خدا ﷺ به سرزمینی فرود آمدیم که به آن سرزمینِ حُم می‌گفتند. آن حضرت مردمان را به گزاردن نماز فرمان داد. پیامبر ﷺ نماز ظهر را خواند سپس جامه‌ای را بر درخت طلحی افکندند تا سایه بان در برابر آفتاب باشد. در این حال برای ما خطبه خواند و گفت: آیا نمی‌دانید یا شهادت نمی‌دهید که من نسبت به هر مؤمنی از خود او سزاوارترم؟

مردمان گفتند: می‌دانیم و شهادت می‌دهیم. فرمود: هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا، با هر که با او دوستی کند، دوستی کن و با هر که با وی دشمنی ورزد، دشمنی بورز.<sup>۳</sup>

### روایت عبدالله بن ابی شیبیه

او با سندی از جابر بن عبدالله انصاری روایت می‌کند که گفت: در جُحْفَه، کنار غدیر خم بودیم که رسول خدا نزد ما آمد و دست علی را گرفت و گفت: هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست.<sup>۴</sup>

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۳۵۰.

۲. او استاد بخاری است. بنگرید: سیوطی، طبقات الحفّاظ، ص ۱۶۳.

۳. احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۳۷۲.

۴. ابن ابی شیبیه، المصنّف، ج ۱۲، ص ۵۹ و ۶۰.

### روایت اسحاق بن راهویه

وی چنین روایت کرده است که پیامبر در روز غدیر خم، دست علی را گرفت و گفت: خدایا، هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. اما مردمان در ادامه این سخن، از خود، چنین افزودند: خدایا، با هر که با او دوستی کند، دوستی کن؛ و با هر که وی دشمنی ورزد، دشمنی بورز.<sup>۱</sup>

### روایت قُتیبَة بن سعید

وی از زید بن ارقم روایت می‌کند که گفت: رسول الله برخاست، و خدای را ستود و سپاس گفت و سپس فرمود: آیا نمی‌دانید که من نسبت به هر مرد و زن مؤمنی، از خود او سزاوارترم؟

مردمان گفتند: آری، ما شهادت می‌دهیم که تو از هر مؤمنی به خود او سزاوارتری. پیامبر دست علی را گرفت و فرمود: بی‌گمان، هر که من مولای او هستم، این [علی] مولای اوست.<sup>۲</sup>

### روایت ابن‌ماجه قزوینی

وی با سندی از بُراء بن عازب روایت کرده است: «در حج همراه رسول الله بودیم که در میانه راه از مرکب فرود آمد و گفت: «بشتابید به نماز جماعت» پس از آن، دست علی را گرفت و

۱. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۶۸ - ۱۶۹.

۲. نسائی، الخصائص، ص ۹۵.

فرمود: «آیا من نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر نیستم؟  
 «آیا نسبت به هر مؤمنی، از خودش سزاوارتر نیستم؟» مسلمانان  
 پاسخ دادند: آری، هستی. پیامبر گفت: «پس علی ولیّ هر کسی  
 است که من ولیّ اویم. خدایا، با هر که با او دوستی کند، دوستی  
 کن؛ و با هر که با وی دشمنی ورزد، دشمنی بورز.»<sup>۱</sup>

### روایت ابن‌مغازلی

وی در چند جای کتابش روایت غدیر را آورده است، در  
 اینجا به دو نقل از روایت غدیر اکتفا می‌کنیم:  
 با سندی از همسر زیدبن أرقم روایت کرده است که گفت:  
 پیامبر خدا ﷺ در حجالوداع، از مکه باز می‌گشت که بین  
 مکه و مدینه، در غدیر جُحفه، فرود آمد و فرمان داد تا زیر  
 درختان بزرگ آنجا را پروبند. خار و خاشاک زیر آنها را رُفتند.  
 آنگاه ندا داد: «بشتابید به نماز جماعت.» ما به سوی رسول خدا  
 رفتیم، در روزی که بسیار گرم بود و برخی از ما ردا بر سر افکنده  
 بودند، تا به ایشان رسیدیم. حضرتش نماز ظهر را اقامه کرد و ما  
 به وی اقتدا کردیم. سپس روی به سوی ما گردانید و گفت:  
 «خدای را سپاس؛ او را می‌ستاییم، از او یاری می‌خواهیم، و  
 به او ایمان می‌آوریم، بر او توکل می‌کنیم و از شرور نفس‌هایمان و  
 بدی کارهایمان، به او پناه می‌بریم که هر کسی را که او وانهد،

۱. ابن‌ماجة، السنن، ج ۱، ص ۴۳.

راهنمایی نیست و هر کسی را که او هدایت کند، گمراه کننده‌ای نخواهد بود. گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست و اینکه محمد بنده و فرستادهٔ اوست.

اما بعد، ای مردم، هر پیامبری نصف زمانی که پیامبر پیش از او در امتش درنگ کرده، در بین امتش درنگ می‌کند. عیسی بن مریم چهل سال در میان قومش درنگ کرد و من با شتاب، به بیست سال رسیدم. بدانید که نزدیک است که من از شما جدا شوم. آگاه باشید که من و شما را به پرسش خواهند گرفت. آیا من پیام الهی را به شما رساندم؟ شما در این باره چه می‌گویید؟»

از هر گوشه‌ای پاسخ دهندگانی برخاستند و گفتند: شهادت می‌دهیم که تو بنده و فرستادهٔ خدایی، پیامش را رساندی، در راهش بسیار کوشیدی، امرش را آشکار ساختی و او را تا گاه مرگ خواهی پرستید. خدا از جانب ما، بهترین پاداشی را که از سوی امتها به پیامبران می‌دهد، به تو عطا فرماید.

پس پیامبر فرمود: «آیا شما شهادت نمی‌دهید که معبودی جز الله نیست و او شریکی ندارد و اینکه محمد بنده و فرستادهٔ اوست و اینکه بهشت و دوزخ حقّ اند و شما به همهٔ کتاب خدا ایمان دارید؟»

مردمان گفتند: آری، شهادت می‌دهیم.

رسول خدا گفت: «پس من نیز شهادت می‌دهم که شما را تصدیق کردم و شما نیز مرا تصدیق کردید. بدانید که من پیشتاز



شما و شما پیروان من هستید. نزدیک است که کنار حوض، نزد من آید و آن‌گاه که مرا دیدار کنید، از شما خواهم پرسید که پس از من، با دو گرانبهای من چگونه رفتار کردید...»

سپس دست علی بن ابی طالب را گرفت و بلند کرد و گفت:

«هر که من مولای او هستم، این [علی] مولای اوست و هر که من ولیّ او هستم، این [علی] ولیّ اوست. خدایا، با هر که با او دوستی کند، دوستی کن؛ و با هر که با وی دشمنی کند، دشمنی نما.» این سخن را سه بار فرمود.<sup>۱</sup>

وی با سندی از ابوهریره روایت کرده است: هر که روز هجدهم ماه ذی الحجه را روزه بگیرد، برایش روزه شصت ماه را ثبت خواهند کرد. و آن روز غدیر خم است؛ وقتی که پیامبر دست علی را گرفت و گفت: «آیا من نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر نیستم؟ مسلمانان گفتند: آری، ای فرستاده خدا. فرمود: هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست... پس خدا آیه ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾<sup>۲</sup> را فرو فرستاد.<sup>۳</sup>

۱. ابن مغزلی، مناقب، ص ۱۶ - ۱۸

۲. مائده، ۳.

۳. ابن مغزلی، مناقب، ص ۱۹.

## نقل دوم:

امیر المؤمنین علیه السلام در حالی وارد کوفه شدند و این شهر را به عنوان پایگاه حکومت خود قرار دادند که نزدیک به سی سال از واقعه غدیر گذشته بود. کسانی از آن شهر که شاید در روز غدیر خم حضور داشتند، از دنیا رفته بودند و تقریباً دو نسل پس از آنها کار را به دست گرفته بودند؛ دور بودن کوفه از مدینه و هم‌چنین تلاش سه خلیفه اول در پوشاندن حق امام علی علیه السلام و اجرایی کردن تئوری منع تدوین و نقل حدیث، به ویژه دوران خلافت خلیفه دوم، سبب شد آنچه از واقعه غدیر در یادها مانده بود، فراموش و کم‌رنگ شود؛ از این رو حضرتش در بدو ورود به کوفه با مردمانی مواجه شد که جز معدود کهن سالان این شهر، دیگر افراد تقریباً از واقعه غدیر خم بی‌خبر بودند.

مؤید و شاهد بر این بی‌خبری، واکنشی است که مردم کوفه پس از آگاه شدن از خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر و انتصاب امام علی علیه السلام به عنوان جانشین ایشان داشتند؛ اهل کوفه امیرالمؤمنین علیه السلام را به دروغ‌گویی و دروغ بستن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم متهم کردند؛ این بی‌خبری و اتهام سبب شد ایشان در فرصت‌هایی برای اهل کوفه به بیان خطبه بپردازند و در برخی از این خطبه‌ها به روز غدیر و خطابه رسول خدا نیز استناد کرده‌اند. از این رو امیرالمؤمنین علیه السلام در جمع مردم این شهر در رُحبه (میدان بزرگ شهر کوفه)، از کسانی که در روز غدیر

## متن روایت

حضور داشتند، خواستند تا به آن چه از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آن روز شنیده بودند شهادت دهند. در پی آن چند تن از صحابه که در برخی نقل‌ها به سیزده نفر نیز می‌رسد، درستی سخن ایشان را تأیید کردند. این حدیث به «حدیث مناشده» (سوگند دادن) شهرت دارد.

### روایت اسرئیل بن یونس سبّعی

ابن کثیر با سندی از وی نقل می‌کند که گفت: ما شنیدیم علی در رُحبه کوفه می‌گفت: هر کس شنیده است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بگوید: «هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست»، به خدا سوگند می‌دهم برخیزد و گواهی دهد. شماری از اصحاب پیامبر برخاستند و گواهی دادند که خود شنیده‌اند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این سخن را گفته‌اند.<sup>۱</sup>

### روایت محمد بن جعفر غُندر

وی با سندی چنین روایت کرده است که: علی مردمان را به خدا سوگند داد. پنج یا شش تن از اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گواهی دادند که آن حضرت فرموده است: «هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست.»<sup>۲</sup>

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۳۴۸.

۲. احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۳۶۶.

### روایت عبدالله بن نُمیر

احمد بن حنبل به واسطه پدرش از وی که او با سندی روایت می‌کند: شنیدم که علی در رُحبه، مردمان را سوگند داد و از آنان پرسید: چه کسی در روز غدیر خم، شاهد بود که پیامبر چه گفت؟ سیزده مرد برخاستند و شهادت دادند که در آن روز، شنیدند که رسول خدا گفت: «هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست.»<sup>۱</sup>

### روایت ابواحمد حَبَّال، محمد بن عبدالله زُبیری

وی با سندی روایت می‌کند که زیاد بن ابی زیاد اسلمی می‌گفت: شنیدم که علی مردم را سوگند می‌داد و می‌گفت: هر مرد مسلمانی را که سخن رسول الله ﷺ در روز غدیر خم را شنیده است، سوگند می‌دهم که برخیزد و شهادت دهد. دوازده تن از اصحاب بدر، برخاستند و گواهی دادند.<sup>۲</sup>

### روایت ابن ابی شیبه

او با سندی از زید بن یثیع نقل کرده است: به علی خبر رسید که مردمانی از او بدگویی می‌کنند. بر فراز منبر شد و گفت: اصحاب محمد را سوگند می‌دهم که اگر سخنی در ستایش من شنیده‌اند، برخیزند. شش تن از سویی که زید بن یثیع قرار

۱. همان، ج ۱، ص ۸۴.

۲. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۸۸.

داشت و شش تن از جانبی که سعید بن وهب نشسته بود، برخاستند و گفتند: شهادت می دهیم که پیامبر فرمود: «هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا هر که با او دوستی کند، با او دوستی کن و با هر که با وی دشمنی ورزد، دشمنی بورز».<sup>۱</sup>

#### روایت ابو یعلیٰ موصلی

او با سندی از عبدالرحمن بن ابی لیلی این چنین نقل می کند که گفت: علی را دیدم که در رحبه کوفه، مردم را سوگند می داد و می گفت: هر کس را که در روز غدیر خم از رسول خدا شنید که فرمود: «هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست» به خدا سوگند می دهم که برخیزد و شهادت دهد. دوازده صحابی بدری برخاستند و گفتند: شهادت می دهیم که شنیدیم رسول الله در روز غدیر خم فرمود: «آیا من نسبت به مؤمنان، از خود آنان سزاوارتر نیستم و همسرانم مادران ایشان نیستند؟» گفتند: چرا، چنین است. فرمود: «هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا، دوست و یاور کسانی باش که دوست و یاور او هستند؛ و دشمن کسانی باش که با او دشمنی کنند».<sup>۲</sup>

۱. ابن ابی شیبیه، المصنّف، ج ۱۲، ص ۶۷-۶۸.

۲. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۸۸.

## نقل سوم:

این نقل همان نقلی است که علامه میرحامد حسین در حدیث ولایت آورده بود. براساس این نقل، راوی خشونتی یا ناسازگاری از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ دیده است و برای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بازگو می‌کند و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در پاسخ حدیث ولایت را بیان می‌کند.

## روایت فضل بن دکین

احمد بن حنبل از فضل بن دکین<sup>۱</sup> روایت کرده است که او با سندی از بریده چنین نقل کرده است: همراه با علی برای جنگ یمن رفتم و از او ستمی دیدم. چون به نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بازگشتم، نام علی را بردم و از او بدگویی کردم. دیدم که چهره پیامبر خدا دگرگون شد و گفت: «ای بریده، آیا من نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر نیستم؟» گفتم: چرا ای فرستاده خدا. پیامبر فرمود: «هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست.» احمد بن حنبل این حدیث را در کتاب مناقب خود نیز آورده است.<sup>۲</sup>

## روایت ابونعیم اصفهانی

او با سندی از بریده روایت کرده است که همراه علی برای

۱. او استاد بخاری است. بنگرید: سیوطی، طبقات الحفاظ، ص ۱۵۹.

۲. احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۳۴۷.

جنگ، به یمن رفتم و از او تندی و درشتی دیدم. پس از بازگشت، نزد رسول الله ﷺ نام علی را بردم و از او بد گفتم. دیدم که چهره رسول خدا تغییر کرد و گفت: ای بریده، آیا من نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر نیستم؟ گفتم: چرا، ای فرستاده خدا. فرمود: «هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست».<sup>۱</sup>

### روایت ابن مغازلی

او با سندی از ابن بُریده از پدرش برای ما نقل کرد: رسول الله ﷺ ما را به سرّیه ای<sup>۲</sup> فرستاد و علی را بر ما گمارد. هنگامی که بازگشتیم، پیامبر به ما گفت: همراهیِ همراهتان (علی) را چگونه یافتید؟ من که عادت داشتم سرم را پایین نگاه دارم، از او شکایت کردم (یا کسی غیر از من از او شکایت کرد) پس سرم را بالا آوردم و ناگاه، دیدم که چهره پیامبر از خشم سرخ شده است و می گوید: هر که من ولیّ او هستم، علی ولیّ اوست.<sup>۳</sup>

۱. ابن ابی شیبّه، المصنّف، ج ۳، ص ۱۶۴.

۲. سرّیه، جنگی است که در آن رسول خدا حضور ندارد؛ در مقابل غزوه یعنی جنگی که پیامبر در آن حضور دارد.

۳. ابن مغازلی، مناقب، ص ۱۹.

## نقل چهارم:

## روایت سعدبن ابی وقاص

این نقل از روایت در کتاب حدیث منزلت نیز ذکر شده است، چون سعدبن ابی وقاص برای بیان علّت توهین نکردن به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به چند روایت از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در فضیلت آن گرامی استناد می‌کند. یکی از این روایات حدیث ولایت است که در حدیث غدیر هم تکرار شده است.

## روایت علی بن محمد طنّافسی

او با سندی از عبدالرحمن بن سابط چنین نقل کرده است: «معاویه در یکی از حجهایش، نزد سعدبن ابی وقاص رفت. آنان علی را یاد کردند و معاویه از علی، بدگویی کرد. سعد خشمگین شد و گفت: این سخنان را دربارهٔ مردی می‌گویی که من خود شنیدم پیامبر درباره‌اش فرمود: هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. ای علی، تو نسبت به من، جایگاه هارون نسبت به موسی را داری؛ جز اینکه پس از من پیامبری نخواهد آمد. در ماجرای جنگ خیبر نیز رسول خدا پرچم را به علی داد و فرمود: امروز پرچم را به مردی می‌دهم که خدا و فرستاده‌اش را دوست می‌دارد.<sup>۱</sup>»

۱. ابن ماجه، سنن، ج ۱، ص ۴۵.



## روایت ابن ابی شیبیه

وی با سندی از عبدالرحمن بن سابط نقل می‌کند: معاویه در یکی از حجهایش نزد سعد بن ابی وقاص رفت. آنان از علی یاد کردند و معاویه از وی بدگویی کرد. سعد خشمگین شد و گفت: این سخنان را دربارهٔ مردی می‌گویی که براساس سخن پیامبر ﷺ سه ویژگی دارد که به خدا سوگند، داشتن یکی از آنها نزد من، از دنیا و آنچه در آن است، محبوب‌تر است. شنیدم که رسول خدا ﷺ می‌فرمود: هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. ای علی، تو نسبت به من، جایگاه هارون نسبت به موسی را داری، جز اینکه پس از من پیامبری نخواهد آمد. در ماجرای جنگ خیبر هم، رسول خدا پرچم را به علی داد و فرمود: پرچم را به مردی می‌دهم که خدا و فرستاده‌اش را دوست می‌دارد.<sup>۱</sup>

## روایت حسن بن عرفه

وی با سندی از عبدالرحمن بن سابط نقل می‌کند: سعد بن ابی وقاص در یکی از حجهای معاویه، نزد او رفت. آنان از علی به بدی یاد کردند. سعد گفت: «براساس سخن پیامبر علی سه ویژگی دارد که به خدا سوگند، داشتن یکی از آنها نزد من، از دنیا و آنچه در آن است، محبوب‌تر است». شنیدم که رسول خدا

۱. ابن ابی شیبیه، المصنّف، ج ۱۲، ص ۶۱.

می فرمود: «هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست» در ماجرای جنگ خیبر رسول خدا پرچم را به علی داد و فرمود: «امروز پرچم را به مردی می دهم که خدا و فرستاده اش را دوست می دارد.» نیز فرمود: «ای علی، تو نسبت به من، جایگاه هارون نسبت به موسی را داری، جز اینکه پس از من پیامبری نخواهد آمد»<sup>۱</sup>

---

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۳۴۰.

## بخش ۳

### دلالت حدیث غدیر

علامه میر حامد حسین، در این بخش به وجوه دلالت حدیث غدیر پرداخته است، وی با استفاده از آیاتی که در روز غدیر خم نازل شده‌اند و آیاتی که درباره امامت علی علیه السلام است و روایاتی که بیانگر اسباب النزول آن است، دلالت حدیث غدیر بر امامت امیر المؤمنین علیه السلام را اثبات کرده است.

#### ۱. نزول آیه تبلیغ

از وجوه دلالت حدیث غدیر بر امامت امیر المؤمنین علیه السلام نزول این آیه در رویداد غدیر است که به آیه تبلیغ شهرت دارد:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ

اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ<sup>۱</sup>

بیست نفر از راویان اهل سنت، سبب نزول این آیه را نقل کرده‌اند که به اتفاق، نزول آن را در روز غدیر می‌دانند. در ادامه روایت برخی از ایشان را نقل می‌کنیم.

روایت ابن ابی حاتم رازی

وی نقل کرده است، آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» در روز غدیر خم، درباره‌ی علی بن ابی طالب، بر رسول خدا نازل شد.<sup>۲</sup>

روایت ابن مردویه

وی از ابن مسعود روایت کرده است: آیه تبلیغ را در زمان پیامبر چنین می‌خواندیم:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - [أَنَّ عَلِيًّا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ] - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ...»<sup>۳</sup>

۱. مائده، ۶۷.

۲. سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۸.

۳. همان.

## روایت ثعلبی

او در تفسیرش نزول آیه تبلیغ در روز غدیر خم را روایت کرده و گفته است: محمد بن علی [امام باقر علیه السلام] در معنای این آیه گفته است: خداوند به رسولش فرمود: آنچه از خداوندت درباره برتری علی بن ابی طالب نازل شده، برسان. پس چون این آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ﴾ فرود آمد، رسول الله دست علی را گرفت و گفت: هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست.<sup>۱</sup>

## روایت حسکانی

وی در کتابش شواهد التنزیل چنین روایت کرده است: «خداوند به حضرت محمد دستور داد که علی را به رهبری مردم بگمارد و آنان را به ولایت او خبر دهد. رسول خدا اندیشناک شد که مردم بگویند: پسر عمویش را بر ما ترجیح داد! و در این باره از او عیب جویی کنند. از این رو، خدا این آیه را بر او نازل کرد. آنگاه پیامبر در روز غدیر خم برخاست و ولایت علی را ابلاغ کرد.»<sup>۲</sup>

علامه میرحامد حسین برای بیان نتیجه از آنچه درباره نزول آیه تبلیغ ذکر کرده، این چنین کلامش را ادامه می‌دهد:  
نزول آیه مبارکه تبلیغ در واقعه روز غدیر خم، نشان می‌دهد

۱. ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۴، ص ۹۲.

۲. حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۸۷.

که این آیه بر رسول الله نازل شد تا بر لزوم رساندن امر جانیشینی امیرمؤمنان تأکید کند و مراد از حدیث غدیر و سخنرانی پیامبر در این روز را روشن گرداند؛ زیرا سخن خدای تعالی که می فرماید: ﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾ نشان می دهد که آنچه خدای تعالی به تبلیغش فرمان داده بود، شأن بزرگی داشته، به گونه ای که اگر پیامبر آن پیام را به قوم نمی رساند، رسالت اسلامی را نگزارده بود و تمام زحمات و کارهایش همچون گرد و غبار پراکنده می گشت. آن پیام فقط می تواند حکم امامت باشد که اصلی عظیم از اصول دین است و صلاح مسلمانان در دنیا و آخرت به آن وابسته است.

زمانی که این آیه بر رسول الله فرود آمد و حضرتش با تهدید مذکور در آیه، فرمان یافت که آن پیام بزرگ را برساند، سینه ایشان به تنگ آمد، زیرا می دانست که مردم او را تکذیب می کنند. این خود از براهین روشن بر عظمت آن پیام و دشواری پذیرش آن از سوی صحابه بوده است. اگر امری که پیامبر مأمور به رساندن آن شد، از امور فرعی و آسان یا تنها برای واجب گرداندن محبت و مودت امیرالمؤمنین علیه السلام می بود، رساندن آن بر حضرتش گران نمی آمد و از تکذیب مردم بیمناک نمی گشت؛ حال آنکه شماری از روایات حدیث غدیر همین نکات را می رساند.

نزول آیه تبلیغ در روز غدیر خم و رخدادهای این روز دلیل

قطعی بر امامت و جانشینی بلافصل امیرمؤمنان پس از رسول خدا است و می‌رساند که آنچه پیامبر به رساندن آن مأمور گشت، تنها واجب گرداندن مودت امیر المؤمنین نبود، زیرا حضرتش آن را پیش از روز غدیر، بارها و بارها، چه با تصریح به نام علی عَلِيٍّ چه در ضمن ایجاب مودت اهل بیت و خویشان نزدیکش، بی ترس و هراس، انجام داده بود، در روزگاری که صحابه به کفر و جاهلیت نزدیک تر بودند.

در روز غدیر، امور جدیدی ابلاغ و واقع گشت که پیش تر واقع نگشته بود؛ مانند: جانشین ساختن علی عَلِيٍّ و تصریح بر آن، اخذ بیعت بر جانشینی علی عَلِيٍّ در نزدیکی وفات پیامبر در همایشی بزرگ که در دوران حیات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بی‌مانند است.

## ۲. نزول آیه اکمال

آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»<sup>۱</sup> به «آیه اکمال» شهرت دارد. این آیه پس از آنکه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخنرانی اش را به پایان رساند و امیرالمؤمنین را به امامت و جانشینی تعیین کرد، نازل شد. این آیه، از ادله قوی و براهین استوار است. بر این حقیقت که مراد از سخن پیامبر: «هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست»

۱. مائده، ۳.

تنصیص به امامت و جانشینی علی علیه السلام پس از اوست؛ زیرا جز امامت و جانشینی امر دیگری وجود ندارد که سبب کامل گشتن دین و تمام شدن نعمت باشد؛ چرا که امامت و جانشینی اصل بزرگی از اصول دین است و دین به سبب آن کامل و نعمت به وسیله آن تمام شده است.

#### روایت ابن مردویه

وی با دو سند، دو روایت را درباره نزول این آیه بیان می‌کند:

با سندی از ابن عباس روایت کرده است که گفت: هنگامی که آیه **﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾** نازل شد، پیامبر دست علی را گرفت و گفت: «هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا، با هر که با او دوستی کند، دوستی فرما؛ و با هر که با وی دشمنی کند، دشمنی نما»

با سندی از ابوسعید خدری روایت کرده است: پس از سخن رسول خدا آیه **﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾** فرود آمد و در پی آن، پیامبر فرمود: «الله اکبر بر کامل شدن دین و تمام گشتن نعمت و خشنودی خداوند به رسالت من و ولایت علی بن ابی طالب پس از من.»<sup>۱</sup>

۱. محمد بن معتمد خان، مفتاح النجا فی مناقب آل العبا، مخطوط.



## روایت ابونعیم اصفهانی

او با سندی از ابوسعید خُدری روایت کرده است:  
رسول الله در غدیر خم، مردمان را به علی دعوت کرد. وی دستور داد تا خار و خاشاک زیر درختان آنجا را بروبند. این در روز پنجشنبه بود. و در پی آن، علی را فراخواند، میان دو بازویش را گرفت و آنها را بالا برد تا آنکه سپیدی زیر بغل حضرتش برای مردم نمایان گشت. مردم هنوز پراکنده نشده بودند که این آیه نازل شد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا». در پی آن، پیامبر فرمود: «الله اکبر بر کامل شدن دین و تمام گشتن نعمت و خشنودی خداوند به رسالت من و ولایت علی پس از من.»<sup>۱</sup>

## روایت نطنزی

او به اسنادش از ابوهریره نقل کرده است: هر که روز هجدهم ماه ذی الحجرا روزه بگیرد، برایش روزه شصت ماه را ثبت خواهند کرد. آن روز، غدیر خم است. وقتی که پیامبر دست علی را گرفت و گفت: آیا من از مؤمنان به خودشان سزاوارتر نیستم؟ مسلمانان گفتند: چرا، ای فرستاده خدا. فرمود: هر که من مولای او هستم، علی مولای او است.  
در پی آن عمر بن خطاب گفت: آفرین، به تو ای پسر

۱. ما نزل من القرآن فی علی، مخطوط.

ابوطالب! مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمن گشتی. آنگاه خداوند آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»<sup>۱</sup> را فر فرستاد.

### ۳. نزول آیات آغازین سوره معارج

پس از آنکه پیامبر در غدیر خم فرمود: «هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست»، حارث بن نعمان نزد آن حضرت آمد و گفت: «از سوی خدا، ما را به شهادتین فرمان دادی، از تو پذیرفتیم؛ به نماز و زکات امر کردی، قبول کردیم. سپس به اینها راضی نشدی تا اینکه پسر عمویت را بر ما برتری بخشیدی. آیا خدا به تو چنین دستوری داده یا از پیش خود می‌گویی؟» رسول خدا ﷺ پاسخ داد: «سوگند به الله که معبودی جز او نیست، این فرمان از جانب خداست.» حارث روی برگرداند و گفت: «خدایا، اگر این امر، حق و از سوی توست، از آسمان بر ما سنگ بباران. پس سنگی از آسمان بر او افتاد و وی را کشت.» در پی این رخداد، آیات «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ \* لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ»<sup>۲</sup> نازل شد.

روایت ثعلبی

وی روایت می‌کند که از سفیان بن عیینه پرسیدند که آیه

۱. الخصائص العلوية، مخطوط.

۲. معارج، ۱ - ۲.

«سأل سائل» درباره چه کسی نازل شده است؟ پاسخ داد: ... چون رسول خدا به غدیر خم رسید، ندا داد و مردم گرد آمدند. پس دست علی بن ابی طالب را گرفت و گفت: «هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست.»

خبر این رخداد، در شهر پیچیده و پراکنده گشت و به حارث بن نعمان فہری رسید. او خود را به پیامبر رسانید و گفت: ای محمد، از جانب خدا به ما دستور دادی شهادت دهیم که معبودی جز او نیست و تو فرستاده اویی، آن را از تو پذیرفتیم. دستور دادی که حج گزاریم، آن را نیز پذیرفتیم. اما تو به اینها راضی نشدی تا اینکه دو بازوی پسر عمویت را بالا بردی و او را بر ما برتری دادی و گفتی: «هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست». آیا این از سوی توست یا از سوی خدای عزوجل؟ پیامبر پاسخ داد: سوگند به خدایی که معبودی جز او نیست، این از سوی خداست.

حارث بن نعمان روی بگرداند و به سوی مرکبش رفت، در حالی که می گفت: خدایا، اگر آنچه محمد می گوید حق است، سنگی از آسمان بر ما بباران یا عذابی دردناک بر ما فرو فرست. حارث هنوز به مرکبش نرسیده بود که خدا سنگی بر او افکند که بر سرش خورد و از مقعدش بیرون آمد و او را کشت. سپس خدای - عزوجل - این آیات را فرو فرستاد: ﴿سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ

واقع \* لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ<sup>۱</sup>.

#### ۴. مناشده امیرمؤمنان با صحابه به حدیث غدیر

از شواهد دلالت حدیث غدیر به امامت و خلافت، این است که امیرمؤمنان با این حدیث و با عبارت «من كنتُ مولاهُ فعلى مولاهُ» با صحابه رسول خدا در چند موضع مناشده<sup>۲</sup> کرده است. از جمله: یکم شورای شش نفره تعیین خلیفه پس از عُمَر، دوم مجلسی در مسجد پیامبر در زمان عثمان که با حضور سران قبائل انجام شد.

یک. خلیفه دوم در آستانه مرگ، حکم به تشکیل شورایی شش نفره برای انتخاب جانشین خود داد. یکی از اعضای این شورا حضرت علی عليه السلام بود. ایشان علی رغم این که چنین شورایی را به رسمیت نمی شناختند، اما خواست به عده ای پاسخ دهد، که در روزهای اولیه فقدان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند و تجدید نظرشان از غدیر را مطرح کردند، لذا در این شورا شرکت کرد؛ یکی از مواضعی که آن حضرت به خطبه غدیر استناد کرده اند، در پایان این شورا است. امیرالمؤمنین عليه السلام فضای این شورا و ناخشنودی خویش را توصیف کردند که بدون در نظر گرفته شدن فضائل ایشان مانند

۱. ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۱۰، ص ۳۵.

۲. کسی را به خدا سوگند دادن.

دیگر اعضای شورا به شمار آمدند و حتی برخی را بر ایشان ترجیح داشتند.<sup>۱</sup>

جریان شورا پیش رفت و اعضای شورا تصمیم گرفتند تا نظر خود مبنی بر انتخاب عثمان را اعلام کنند. علی علیه السلام فرصتی خواست تا با اعضای شورا سخن بگوید؛ ایشان در مناشده‌ای طولانی با اصحاب شورا سخن گفتند و افراد حاضر در شورا نیز سخنان ایشان را تأیید کردند.<sup>۲</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام فضایل و امتیازات خویش را بر شمردند و اعضای شورا را به خدا سوگند دادند که اگر ادعاهای ایشان حقیقت دارد، آنها را تأیید نمایند؛ این مناشده ادامه داشت تا جایی که علی علیه السلام به خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم استناد کردند:

نشدتکم بالله هل فیکم أحد نصبه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم  
یوم غدیر خم بأمر الله تعالی: فقال: «من کنت مولاه  
فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»  
غیری؟ قالوا: لا.<sup>۳</sup>

فرمود: شما را به خدا سوگند می‌دهم. آیا در میان شما کسی جز

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۷۹؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۶۸.  
۲. سخنان امام در این مجلس به حدیث انشاد مشهور است.  
۳. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۹۶.

من هست که رسول خدا در روز غدیر خم به امر خدای تعالی او را به جانشینی نصب کرده باشد و بفرماید: «من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»؟ گفتند: نه. دو. در زمان خلافت عثمان، مجلسی با حضور بسیاری از سرشناسان مهاجر و انصار در مسجد پیامبر و بدون حضور خلیفه سوم برگزار شد.

جریان این مجلس که گفته شده از صبح اول وقت تا وقت ظهر ادامه داشت، به سمتی پیش رفت که نماینده‌ای از هر قبیله و عشیره روایتی از رسول خدا ﷺ را در فضیلت قبیله و عشیره‌اش نقل کرد؛ امیرالمؤمنین علیه السلام همچون شورا، سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را که به صراحت اشاره به جانشینی آن حضرت و زمامداری مسلمانان داشت، در قالب یک مناشده بیان داشتند، یکی از مواضع این مناشده و سخنرانی، یادآوری واقعه غدیر خم بود.<sup>۱</sup>

روایت ابوبکر شافعی

وی با سندش مناشده حضرت علی علیه السلام را از زید بن أرقم این چنین روایت کرده است:

علی علیه السلام مردم را سوگند داد که هر کس شنیده که رسول خدا

۱. سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم، ص ۱۹۵؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۲۷۶؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۱۴ - ۲۱۳؛ جوینی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۱۵.

فرمود: «هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا، با هر که با او دوستی کند، دوستی کن؛ و با هر که با او دشمنی نماید، دشمنی فرما» برخیزد. شانزده مرد برخاستند و شهادت دادند که پیامبر چنین گفته است، من نیز در میان آنان بودم.<sup>۱</sup>

### روایت ابن‌مغازلی

علی ع بر منبر، اصحاب پیامبر را سوگند داد و گفت: هر کس که سخن رسول الله در روز غدیر خم را شنیده، شهادت دهد. دوازده مرد برخاستند که ابوسعید خدری و ابوهریره و انس بن مالک در شمار آنان بودند. آنان شهادت دادند که پیامبر در آن روز فرمود: «هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست، خدایا، با هر که با او دوستی کند، دوستی کن؛ و با هر که با او دشمنی نماید، دشمنی فرما.»<sup>۲</sup>

### روایت خطیب خوارزمی

با سند خود چنین نقل کرده که این دو در رحبه کوفه شنیدند که علی ع می‌گفت: هر کس را که شنیده که رسول خدا فرمود: «هر که من مولای او هستم، بی‌گمان علی مولای اوست»، به خدا سوگند می‌دهم که برخیزد. شماری از اصحاب پیامبر برخاستند

۱. شافعی، الفوائد، مخطوط.

۲. ابن‌مغازلی، مناقب، ص ۲۷.

و شهادت دادند که این سخن را از نبی اکرم شنیده‌اند.<sup>۱</sup>  
 علامه میرحامد حسین، از روایت مناشده امیر مؤمنان به  
 حدیث غدیر، نتایج استخراج می‌کند:  
 امام علی علیه السلام با اهتمام کامل و با پافشاری، صحابه را سوگند  
 داد که هر یک از ایشان که در روز غدیر خم حاضر بوده و آن  
 رخداد را به چشم خود دیده و به گوش خود سخن رسول  
 خدا صلی الله علیه و آله و سلم را شنیده، شهادت دهد تا به شهادت ایشان احتجاج  
 کند. این مناشده را پیشوایان و دانشمندان بزرگ اهل سنت  
 روایت کرده‌اند.

این مناشده، به این کیفیت و با این احوال و قرائن، دلالت  
 می‌کند که مراد پیامبر از سخن «هر که من مولای او هستم، علی  
 مولای اوست» امامت و جانشینی است؛ زیرا اگر مراد از «مولی»  
 محبّ یا محبوب یا ناصر یا مانند اینها بود، مناشده معنایی  
 نداشت؛ چرا که این اوصاف به اعتراف همگان، در امام علیه السلام  
 وجود داشته و کسی هرگز آنها را انکار نکرده است. این اوصاف  
 حتی در دیگر صحابه هم وجود داشته است.  
 جماعتی از صحابه، از سر دشمنی با امام علیه السلام این شهادت را  
 کتمان کردند. این نیز گواه آن است که حدیث غدیر به امامت

۱. خوارزمی، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۹۵؛ ابن اثیر به طور تفصیل  
 این روایت را در اسد الغابة روایت کرده است. بنگرید: اسد الغابة، ج ۲،  
 ص ۲۳۳.



دلالت می‌کند؛ زیرا اگر مراد از این حدیث امامت نبود، هرگز موردی برای کتمان وجود نمی‌داشت.

امام علیه السلام کتمان کنندگان را نفرین کرد و نفرین او بر آنان کارگر گشت. اگر معنای حدیث غدیر امامت و جانشینی نبود، هرگز آنها را نفرین نمی‌کرد.

اخبار مناشده و کتمان بعضی از صحابه، بنیاد اعتقاد اهل سنت به عدالت همه صحابه را ویران می‌کند؛ چرا که کتمان شهادت از گناهان کبیره است و مرتکب کبیره، بی‌تردید، فاسق است. این اخبار نشان می‌دهد که گروهی از صحابه با امیر مؤمنان دشمنی داشته‌اند و دشمنی شان با او به اندازه‌ای بوده که شهادت یاد شده را کتمان کنند و مرتکب این گناه کبیره شوند.

۵. حدیث غدیر به لفظ: «مَنْ كُنْتُ أُولَى بِهِ مِنْ نَفْسِهِ فَعَلَى وَوَلِيَّهِ»

حافظ طبرانی حدیث غدیر را با این لفظ آورده است: «مَنْ كُنْتُ أُولَى بِهِ مِنْ نَفْسِهِ فَعَلَى وَوَلِيَّهِ». در کتاب مفتاح النجا آمده است: طبرانی در روایت دیگری، از زیدبن أرقم حدیث غدیر را این گونه روایت کرده است: «مَنْ كُنْتُ أُولَى بِهِ مِنْ نَفْسِهِ فَعَلَى وَوَلِيَّهِ»<sup>۱</sup>.

حدیث غدیر با این الفاظ، به صراحت به امامت و جانشینی

۱. محمدبن معتمدخان، مفتاح النجا فی مناقب آل عبا، مخطوط.

دلالت می‌کند. مراد از «مولى» در حدیث با الفاظ «مَنْ كُنْتُ أُولَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ فَعَلَىٰ وَوَلِيِّهِ» نیز به وسیله این حدیث روشن می‌شود؛ چرا که این احادیث یکدیگر را تفسیر می‌کنند. لازمه این روایت از حدیث غدیر آن است که مراد از مولى، اولى باشد؛ زیرا احادیث یکدیگر را تفسیر می‌کنند. از این رو، سبط ابن جوزی گفته از برای لفظ «مولى» معانی دیگری غیر از اولى نمی‌توان اراده کرد. وی افزوده است: معنای دهم (اولى) معنای درست مولى در حدیث است، بنابراین، معنای حدیث این است که: «مَنْ كُنْتُ أُولَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ فَعَلَىٰ وَوَلِيِّهِ فَعَلَىٰ أُولَىٰ بِهِ».<sup>۱</sup>

#### ۶. سیاق حدیث غدیر در «المستدرک علی الصحیحین»

حاکم نیشابوری حدیث غدیر را به سیاق و لفظی نقل کرده که به صراحت و وضوح، به امامت امیرمؤمنان و جانشینی و پس از رسول الله دلالت می‌کند. این از جهت دلالت. اما از جهت سند، حاکم خود تصریح کرده که این حدیث صحیح الاسناد است.

حاکم نیشابوری با سندی از زیدبن أرقم روایت کرد: همراه با رسول خدا ﷺ از مکه بیرون آمدیم تا به غدیر خم رسیدیم. حضرتش فرمان داد که زیر درختان بزرگ آنجا را بروبند؛ در

۱. سبط ابن جوزی، تذکرة خواص الامّة، ص ۳۲.

روزی که گرم‌تر از آن را ندیده بودیم. پیامبر خدای را سپاس گفت و ستود، سپس فرمود:

هان ای مردم، هر پیامبر برانگیخته‌ای به اندازه نصف پیامبر پیش از خود [در میان امتش] زندگی می‌کند. نزدیک است که داعی حق مرا فراخواند و من اجابتش کنم. من در میان شما یادگاری بر جای می‌گذارم که با وجود آن گمراه نخواهید شد: کتاب خدای عزوجل. سپس برخاست و دست علی را گرفت و گفت: ای مردم، چه کسی نسبت به شما از خود شما سزاوارتر است؟ مردم گفتند: خدا و فرستاده‌اش داناترند. فرمود: هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست.<sup>۱</sup>

این حدیث صحیحی است که به روشنی دلالت می‌کند مراد از «مولی»، اولی است؛ زیرا پیامبر این سخن را در آن انجمن بزرگ از مردم بیان فرمود، در روزی که گرم‌تر از آن را تجربه نکرده بودند، پس از آنکه نزدیک شدن زمان درگذشتش را یاد کرد، و بیان فرمود که با تمسک به کتاب خدا گمراه نخواهند گشت، در حالی که دست علی را گرفته بود و پس از آنکه از ایشان پرسید: «من أولى بکم من أنفسکم: چه کسی از شما به شما سزاوارتر است؟»

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۵۳۳. وی در پایان این حدیث می‌نویسد: «این حدیث صحیح الاسناد است؛ ولی بخاری و مسلم آن را در کتابهایشان نیاورده‌اند».

آیا می‌توان تصور کرد که واژه «مولی» در حدیثی که در آن زمان و مکان و احوال بیان شده، معنایی دارد غیر از معنایی که از عبارت «مَنْ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟» اراده می‌شود؟ هرگز!... این جمله ارزشمند، از آیه «التَّيْبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»<sup>۱</sup> گرفته شده که اولی بودن پیامبر بر مؤمنان در همه موارد را می‌رساند.

آیه «التَّيْبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»، «اولی» بودن پیامبر بر مؤمنان را در همه امور اثبات می‌کند، زیرا او بر خلاف نفس مؤمنان، تنها به کاری فرمان می‌دهد و تنها اموری را برای آنان می‌پسندد که صلاح ایشان در آن است. از این رو، اولویت در آیه به طور مطلق آمده است. بنابراین، بر مؤمنان واجب است که پیامبر نزد ایشان از خودشان محبوب‌تر و امر او پیش آنان، از امر خودشان نافذتر و مهرورزی آنان نسبت به او از مهرورزی‌شان به خودشان کامل‌تر باشد.

روایت شده که پیامبر می‌خواست به جنگ تبوک برود؛ از این رو، به مردم دستور داد که همراهی‌اش کنند؛ ولی بعضی از مردم گفتند: ما از پدران و مادرانمان اذن می‌طلبیم. آنگاه این آیه نازل شد.<sup>۲</sup>

۱. احزاب، ۶.

۲. انوارالتنزیل، ص ۵۵۲.

۷. حدیث غدیر به لفظ: « مَنْ وَلِيكُمْ؟ ... مَنْ كَانَ اللَّهُ وَلِيَّهُ فَهَذَا وَلِيَّهُ »

نسائی با اسناد خود حدیث غدیر را این چنین روایت کرده است:

با رسول الله در راه مکه به سوی مدینه بودیم. چون به غدیر خم رسید، مردم را نگاه داشت. سپس آنان که از او پیش افتاده بودند، بازگردانیده شدند و آنان که پشت سر وی بودند، به او رسیدند. چون مردم گرد او جمع شدند، فرمود: «ای مردم، آیا من دین خدا را به شما رساندم؟» گفتند: بله، پیامبر سه بار گفت: «خدا یا، شاهد باش». سپس گفت: «ای مردم، ولی شما کیست؟» مردم گفتند: خدا و رسولش داناترند. این پرسش و پاسخ سه بار تکرار شد. سپس دست علی را گرفت و گفت: «مَنْ كَانَ اللَّهُ وَلِيَّهُ فَهَذَا وَلِيَّهُ: هر که خدا ولیّ اوست، این ولیّ اوست. خدا یا، با هر که با او دوستی کند، دوستی کن؛ و با هر که با او دشمنی کند، دشمنی فرما.»<sup>۱</sup>

علامه میرحامد حسین ذیل این حدیث می نویسد:

اگر معنای «ولیّ»، محبّ یا ناصر یا محبوب بود، مردم به گونه دیگری پاسخ می دادند و نمی گفتند: «خدا و فرستاده اش داناترند.» لیکن مراد از «ولیّ»، ولیّ امر و متصرف در آن است. و چون عموم مردم، «متصرّف در امر» پس از رسول خدا را

۱. نسائی، الخصائص، ص ۱۰۱.

نمی شناختند، در پاسخ پرسش حضرتش سه بار گفتند: «خدا و فرستاده اش داناترند.»

آن هنگام که مردم، نادانی و ناتوانی خود را در پاسخ به این پرسش نمایان کردند، پیامبر خدا پاسخ را روشن کرد و با گرفتن دست امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: «مَنْ كَانَ اللَّهُ وَثِيقَهُ فَهَذَا وَثِيقُهُ» یعنی: هر که ولی امر اوست، علی ولی امر اوست. از این رو، این روایت مانند روایتی است که پیشتر، از کتاب مستدرک حاکم نقل شد.

#### ۸. رفتار و سخن عمر بن خطاب

از دیگر ادله، روایتی است که عده ای نقل کرده اند که به عمر گفته شد: «تو با علی به گونه ای رفتار می کنی که با هیچ یک از اصحاب رسول خدا چنین نمی کنی». عمر گفت: زیرا او مولای من است.

خوارزمی با سند خود از سالم روایت کرده است: به عمر گفته شد: می بینم که تو با علی رفتاری می کنی که با دیگر اصحاب پیامبر چنین رفتاری نداری. عمر گفت: زیرا او مولای من است.<sup>۱</sup>

محبّ الدین طبری با سند خود از سالم نقل کرده است: به عمر گفته شد: با علی رفتاری می کنی که با دیگر اصحاب پیامبر چنین

۱. خوارزمی، مناقب، ص ۹۷.

رفتاری نداری. عمر گفت: زیرا او مولای من است.<sup>۱</sup>  
علامه میرحامد حسین ذیل این روایت می‌نویسد:  
این خبر به روشنی نشان می‌دهد که علی علیه السلام مولای عمر بن  
خطّاب بوده، از این رو عمر او را بزرگ داشته و بر دیگر صحابه  
مقدم بداند. اگر مراد از «مولى»، اولی به تصرف باشد، مطلوب  
ثابت است؛ و اگر مراد معنای دیگری باشد که افضلیت و تقدم او  
بر دیگران را برساند، باز هم مطلوب ثابت می‌گردد؛ زیرا  
افضلیت به روشنی امامت و جانشینی امام را می‌رساند.

#### ۹. شادباش ابوبکر و عمر در روز غدیر و «بخِ بخِ» گفتن آنان

عمر بن خطّاب در روز غدیر، پس از اعلام علنی ولایت  
علی علیه السلام توسط پیامبر اسلام به وی تبریک گفتند، زیرا علی  
مولای کسانی شد که پیامبر مولای آنان بود. برخی از روایان  
نقل کرده‌اند که ابوبکر نیز در شادباش گفتن به علی علیه السلام با عمر  
همراه بوده است.

علامه میرحامد حسین در توضیح وجه دلالت این روایت،  
چنین می‌گوید:

این شادباش بدون تردید، نشان می‌دهد که امیرمؤمنان در  
روز غدیر خم به مرتبتی عظیم، فوق همه مراتب و مناصب

۱. محبّ الدین طبری، الرياض النضرة، ج ۲، ص ۲۲۴.

رسیده است. گواه این سخن آن است که پیامبر در جایها و جایگاه‌های بسیار، فضائل و مناقبی را برای علی علیه السلام بیان فرمود، ولی روایت نشده که در یک مورد از آنها صحابه به امام شادباش گفته باشند به گونه‌ای که عمر در روز غدیر شادباش گفت.

اگر مراد از «ولایت» تنها این باشد که علی علیه السلام در روز غدیر، ناصر یا محبّ با محبوب مؤمنان شد، لازمه تهریک عمر به حضرتش بدین سبب، آن است که ولایت به معانی یاد شده بزرگ‌ترین فضیلت وی باشد؛ لیکن بنا بر نقل راویان ثقه، امام، فضائل و مناقبی دارد که قطعاً از معانی یاد شده بزرگ‌تر است. از این رو، ولایت، معنایی بالاتر از این معانی دارد که ولایت در تصرف است.



## منابع

- ١ - ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه ابن ابي الحديد، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بي جا، دار احياء الكتب العربيه، ١٣٧٨ ق / ١٩٥٩ م.
- ٢ - ابن اثير جزري، على بن محمد، أسد الغابة فى معرفة الصحابة، تحقيق: محمد ابراهيم بناء، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٩٩٥ م / ١٤١٥ ق.
- ٣ - ابن اثير جزري، على بن محمد، الكامل فى التاريخ، بيروت ١٣٨٥-١٣٨٦ ق / ١٩٦٥-١٩٦٦ م، چاپ افست ١٣٩٩-١٤٠٢ / ١٩٧٩-١٩٨٢.
- ٤ - ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن على، الخصال، تصحيح: على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسين، ١٣٦٢ ش.
- ٥ - ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، الاصابه فى تمييز الصحابه، تحقيق: عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٥ ق / ١٩٩٥ م.
- ٦ - ابن حنبل، احمد، مسند، مصر، مؤسسة قرطبه، بي تا.
- ٧ - ابن شعبه حرانى، حسن بن على، تحف العقول، تصحيح: على اكبر

- غفارى، قم، جامعة مدرسين، ١٤٠٤ ق.
- ٨ - ابن شيبه كوفى، عبدالله بن محمد، المصنف فى الاحاديث و الآثار، تحقيق: سعيد اللحام، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٩ ق.
- ٩ - ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن على، الأملى، تهران، كتابچى، ١٣٧٦ ش.
- ١٠ - ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن على، كمال الدين و تمام النعمة، تحقيق و تصحيح: على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، ١٤٠٥ ق.
- ١١ - ابن بطريق، يحيى بن حسن، عمدة عيون صحاح الأخبار فى مناقب امام الأبرار، قم، جامعة مدرسين حوزة علميه قم، ١٤٠٧ ق.
- ١٢ - ابن عساکر، على بن حسن، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: محب الدين ابى سعيد عمر بن غرامة عمري، بيروت، دارالفكر، ١٩٩٥ م / ١٤١٥ ق.
- ١٣ - ابن عقدة كوفى، احمد بن محمد، فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، تصحيح و تحقيق: حرز الدين عبدالرزاق محمد حسين، قم، دليل ما، ١٤٢٤ ق.
- ١٤ - ابن كثير، اسماعيل بن عمر، البداية و النهاية، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٧ ق / ١٩٨٦ م.
- ١٥ - ابن مغزلى، مناقب الامام على بن ابيطالب، مشهد، رستگار، ١٣٨٧ ش.
- ١٦ - ابويعلی موصلى، احمد بن على، مسند أبى يعلى، تحقيق: حسن سليم اسد، دمشق، دارالمأمون للتراث، ١٩٨٤ م.
- ١٧ - امينى، عبدالحسين، موسوعة الغدير فى الكتاب والسنة والأدب، تحقيق: مركز الغدير للدراسات الإسلاميه: زير نظر محمود هاشمى شاهرودى، قم، موسسه دائرة معارف الفقه الإسلامى، ١٤٣٠ ق /

٢٠٠٩ م.

- ١٨ - ترمذى، محمد بن عيسى، الجامع الكبير (سنن)، تحقيق: احمد محمد شاكر، القاهرة، دارالحديث، ١٤١٩ ق.
- ١٩ - تفتازانى، مسعود بن عمر، شرح المقاصد، چاپ عبدالرحمان عميره، چاپ افست قم، شريف رضى، ١٣٧٠-١٣٧١ ش.
- ٢٠ - ثعلبى نيشابورى ابو اسحاق احمد بن ابراهيم، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٢٢ ق.
- ٢١ - جوينى خراسانى، ابراهيم بن محمد، فرائد السمطين فى فضائل المرتضى و البتول و السطين و الائمة من ذريتهم عليهم السلام، تحقيق: محمد باقر محمودى، چاپ اول، بيروت، موسسه محمودى. ١٣٩٨ ق / ١٩٧٨ م.
- ٢٢ - حاكم نيشابورى، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: تحت اشراف عبدالرحمن مرعشى، بى نا، بى جا، بى تا.
- ٢٣ - حسانى، عبيدالله بن عبدالله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تحقيق: محمداقصر محمودى، تهران، وزارت ارشاد اسلامى، ١٤١١ ق.
- ٢٤ - حلبى، على بن ابراهيم، السيرة الحلبية، تحقيق: عبدالله محمد خليلى، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢٢ ق.
- ٢٥ - سبط ابن جوزى، تذكرة خواص الأمة، قم، شريف رضى، ١٣٧٦ ش.
- ٢٦ - سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس الهلالي، ترجمه و تحقيق: اسماعيل انصارى زنجانى، قم، الهادى، ١٤١٦ ق.
- ٢٧ - سيوطى، عبدالرحمن، الدرالمثور فى تفسير بالمأثور، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى، ١٤٠٤ ق.
- ٢٨ - طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج على أهل اللجاج، مترجم: احمد

- غفارى، تهران، مرتضى، ١٣٧١ش.
- ٢٩ - طبرى، احمد بن عبدالله، الرياض النضرة فى مناقب العشرة، بيروت، ١٤٠٥ ق / ١٩٨٤ م.
- ٣٠ - طبرى، محمد بن جرير، المسترشد فى امامة على بن ابى طالب، تصحيح: احمد محمودى، قم، كوشانيور، ١٤١٥ ق.
- ٣١ - طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، بيروت، داراحياء التراث العربى، بى تا.
- ٣٢ - عاملى، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بيروت، اعلمى، ١٤٢٥ ق.
- ٣٣ - عاملى، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٠٩ ق.
- ٣٤ - على بن موسى الرضا، صحيفة الامام الرضا عليه السلام، تصحيح: محمد مهدي نجف، مشهد، كنگره جهانى امام رضا، ١٤٠٦ ق.
- ٣٥ - كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، تصحيح: على اكبر غفارى و همكار، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٤٠٧ ق.
- ٣٦ - مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تحقيق: محمد باقر البهبودى، بيروت، مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣ ق.
- ٣٧ - نسائى، احمد بن شعيب، خصائص امير المؤمنين عليه السلام، قم، بوستان كتاب، ١٣٨٣ش.
- ٣٨ - هندى، متقى، كنز العمال، تحقيق: شيخ بكرى حيانى، تصحيح: شيخ صفوه سقا، بيروت، مؤسسة الرساله، ١٤٠٩ ق - ١٩٨٩ م.